



Multiple Implications: a Challenge for Cognition of Lifewriting "Khatere", "Khatere- newisi", "Khaterat"; Key Concepts of Memory-based personal Lifewriting

Mahboobe Shamsirgarha

Assistant Professor of the National Library and archives of IRAN, Department of Iranian Studies and Islamology

Abstract: the memory-based personal lifewriting has been a historical- literary genre consists of writings with realistic narratives of the past, in recent decades. some researchers, have turned to research on this writings goals, types, structures and methods, to understand what and how they are. but these efforts have not been successful in achieving a clear and desirable result. one of the factors of this defect seems to be the multiplicity of semantic implications and ambiguity in recognizing the common and basic concepts in the the memory-based personal mifewriting' square. The multiplicity of semantic implications about basic concepts personal mifewriting is so that even includes three basic and common concepts of "Khatere", "Khatere- newisi" and "Khaterat". So, we can not find same statements of the researchers and even from the one. understanding of "Khatere" as an originally subjective being, a creature with an objective construction, a kind of writing, a writing based on personal narratives, in the sense of the verb, meaning an event, a slice of life and a range of human knowledge, shows that this concept has multiple meanings. "Khatere- newisi" also has many ambiguous connotations, including the act of writing memories, one of the types of writing, and the general meaning of recording the events of an individual's life. Also, "Khaterat" is not very definite. So that expresses various concepts in the collection of memories, a account of life, as well as a genere of . It seems that only through the recognizing the memory-based personal lifewriting, we can take steps to remove the existing ambiguities and clarify the implications of the concepts of this field of modern knowledge.

Key Words: Autobiographies, Memoies, Literary Genres, Persian Life Writings

دلالت‌های چندگانه، چالشی برای مطالعات خاطره‌شناختی

با تکیه بر سه مفهوم «خاطره»، «خاطرات» و «خاطره‌نویسی»، مفاهیم کلیدی زندگی‌نوشت‌های شخصی خاطره‌سرشت

محبوبه شمشیرگرها*

استادیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، گروه پژوهش‌های ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۰

چکیده

زندگی‌نوشت‌های شخصی خاطره‌سرشت به معنای ژانری مشتمل بر انواع نوشتارهای مشتمل بر روایت‌های واقع‌گرایانه از زندگی «من» در گذشته، یکی از رایج‌ترین شاخه‌های فرعی زندگی‌نگاری ایرانیان را در دوره معاصر شکل داده است. نظر به فزونی آثار حاصل، برخی پژوهشگران طی دهه‌های اخیر، در پی شناخت چستی و چگونگی آنها، به پژوهش درباره اهداف، انواع، ساختارها و شیوه‌ها روی آورده‌اند؛ اما کمتر می‌توان این تلاش‌ها را در حصول نتیجه‌ای روشن و مطلوب موفق دانست. به نظر می‌رسد یکی از عوامل این کاستی، وجود چندگانگی دلالت‌های معنایی و ابهام در شناخت مفاهیم متداول و اساسی گستره زندگی‌نوشت‌های شخصی خاطره‌سرشت باشد. نبود درک همسان و چندگانگی دلالت‌های معنایی در خصوص مفاهیم پایه در مباحث خاطره‌شناختی، چنان مبهم، ناشناخته و غیردقیق است که حتی سه مفهوم اساسی و متداول «خاطره»، «خاطره‌نویسی» و «خاطرات» را نیز شامل می‌شود و کمتر می‌توان در میان دیدگاه‌های محققان مختلف و حتی از قلمی واحد، به اظهارنظری همسان و ثابت اشاره کرد. درک هم‌زمان از اصطلاح «خاطره» به منزله موجودی اصالتاً ذهنی، موجودی با ساخت عینی، نوعی نوشتار، نوشتاری مبتنی بر روایت‌های شخصی، در مفهوم فعلی، به معنای رویداد، بُرشی از زندگی و گستره‌ای از معارف بشری، حاکی از دلالت‌های چندگانه این مفهوم است. اصطلاح «خاطره‌نویسی» نیز دلالت‌هایی مبهم و چندگونه شامل عمل ثبت خاطرات، یکی از انواع نوشتار و مفهوم کلی ثبت رویدادهای زندگی فردی را دارد. اصطلاح «خاطرات» نیز با وجود بداهت ظاهری، چندان قطعی و تعیین‌کننده نیست و مفاهیم متعددی را در جمع خاطره‌ها، گزارشی از زندگی به شیوه خاطره‌نویسی و نیز انواع نوشتاری حاوی زندگی فردی ایفا می‌کند. به نظر می‌رسد تنها با بازشناخت انواع نوشتارهای خاطره‌سرشت، بتوان در راستای رفع ابهامات موجود و تصریح در دلالت‌های مفاهیم این عرصه گسترده از دانش مدرن گام برداشت. این مقاله به روش کتابخانه‌ای از میان روش‌های تحلیل کیفی و بررسی انتقادی و تطبیقی نوشتارهایی فراهم آمده است که تا کنون در این موضوع به نگارش درآمده‌اند.

واژه‌های کلیدی: خودسرگذشت‌نامه‌ها، خاطرات، انواع ادبی، زندگی‌نوشت‌های فارسی.

* Corresponding Author: Mahboobe Shamsirgarha

E-mail address: mah.shamsirgarha@yahoo.com

Copyright2021@Documents and National Library of the Islamic Republic of Iran. All rights reserved

مقدمه

مهم‌ترین ملزوماتِ درگرفتنِ بحث‌های نظری بنیادین در گستره هریک از شاخه‌های علوم انسانی، وجود درکی دقیق و تا حدود زیادی مشترک از مفاهیم اولیه و کلیدی آن رشته است؛ به نحوی که در بستر این فهم عمومی، پژوهشگران و منتقدان بتوانند دیدگاه‌های خود را به‌ویژه از حیث تحلیل نظرات موجود بیان کنند و با اتکا بر آن، بر عمق و گستره اندیشه‌ها و مباحث ناظر بر آن بیفزایند. به عبارت دیگر، مقدمه هر رویکرد علمی به مقولات مشخص، روشن‌شدن اصلی‌ترین و محوری‌ترین دلالت‌های کلی و صریح در مفاهیم مربوط به آن است. به همین ترتیب، انتظار می‌رود در موضوعات و مضامین مرتبط با مفهوم خاطره و انواع نوشتاری مبتنی بر آن، وجود درکی مشترک، از معنای لغوی و اصطلاحی اساسی‌ترین و ابتدایی‌ترین واژه‌های متداول در این گستره، پیش‌نیاز هر بحث و مذاقه‌ای از سوی صاحب‌نظران و پژوهشگران این حوزه باشد؛ در حالی که به نظر می‌رسد با وجود شکل‌گیری روزافزون زندگی‌نوشت‌های مدرن فارسی در طول بیش از ۱۵۰ سال اخیر و نیز گذشت بیش از سه دهه از آغاز توجه به مسائل و مباحث نظری آنها، وحدت درک و دریافت در این زمینه، چندان پُررنگ نیست. به نظر می‌رسد در کنار برخی عوامل مؤثر در کاستی‌های خاطره‌شناختی در ایران^۱ این معضل نیز یکی از موانع مهم اما ناشناخته در طرح مباحث و تبادلات علمی جدی در میان محققان این زمینه باشد که بی‌توجهی به آن، روزبه‌روز ایجاد گفتمانی علمی در این خصوص را به‌ویژه در نوشتارهای محققانه سخت‌تر کرده است. به بیان دیگر، به نظر می‌رسد در ایران، باوجود بیش از یک‌ونیم قرن سابقه شکل‌گیری زندگی‌نوشت‌ها و نیز تلاش برخی محققان در ارائه مختصاتی از مفاهیم اصلی و گاه شناخت انواع آن، سخن از تشخیص مفاهیم موجود در نظامی مطالعاتی - و نه قائم به فرد - ادعایی درنگ‌پذیر است. این مقاله در راستای شرح و تبیین چرایی و ارائه پیشنهادی در راستای کمترشدن معضل مذکور شکل گرفته است. به عبارت دیگر، قصد این نوشتار، با درک ضرورت شناخت دست‌یافته‌های پیشین در پی پاسخ به پرسش «کجا ایستاده‌ایم؟» و اهمیت آن در ترسیم مسیر آتی، بیان و تحلیل گوشه‌ای از تناقضات و ناهمخوانی‌ها در پُرکاربردترین و

سنت زندگی‌نگاری مدرن در ایران، یکی از رایج‌ترین گرایش‌های تاریخی ادبی معاصر است که حاصل آن شکل‌گیری هزاران «زندگی‌نوشت» فارسی در دو سده اخیر است. زندگی‌نوشت تقریباً معادل *life writing* به‌منزله آبر ژانری با شأن تاریخی ادبی، حاوی همه انواع فرعی مبتنی بر شرح واقع‌گرایانه ماجراهای زندگی انسان است. گستره این گونه اصلی و فراگیر در وهله نخست، بر دو قسم زندگی‌نوشت‌های غیرشخصی (اوروایتی) و زندگی‌نوشت‌های شخصی (من‌روایتی) شناخت‌پذیر است که انواعی متعدد نظیر زندگی‌نامه، خودزندگی‌نامه، یادداشت‌های شخصی، نامه‌های شخصی، گزارش‌های شخصی، داستان - زندگی‌نامه‌ها، خاطره‌نامه‌ها و مجموعه تک‌خاطرات را ذیل خود جای می‌دهد. صرف‌نظر از گونه‌های فرعی زندگی‌نوشت غیرشخصی (مشمول بر انواعی نظیر زندگی‌نامه، کارنامه، یادنامه، زندگی‌نامه داستانی و از این قبیل)، گستره فراخ زندگی‌نوشت‌های شخصی، بخشی درخور توجه از زندگی‌نوشت‌ها را تشکیل می‌دهد که به‌طور کلی در زبان انگلیسی، از آن به ادبیات اتوبیوگرافیک^۱ تعبیر می‌شود؛ اما همه زندگی‌نوشت‌های شخصی نیز ذیل کلی‌ترین نگاه به دو بخش عمده خاطره‌سرشت و یومیه‌سرشت تقسیم می‌شوند. تمرکز این مقاله بر زندگی‌نوشت‌های شخصی خاطره‌سرشت است که حاصل تداعی روایت‌های گذشته و ثبت رویدادهای سابق زندگی فرد است؛ در حالی که در انواع یومیه‌سرشت، فرد به‌طور هم‌زمان به ثبت رویدادهای جاری زندگی خویش می‌پردازد. گذشته از نبود جامعیت و مانعیت در طبقه‌بندی‌های موجود از انواع زندگی‌نوشت‌ها، اساساً مبانی نظری این نوشتارها نیز چندان که باید عرصه تحقیقات علمی در این زمینه را هموار نکرده است. ضعف در یکی از این گستره‌های پژوهشی، به زندگی‌نوشت‌های شخصی خاطره‌سرشت مربوط می‌شود. باوجود سابقه شکل‌گیری چند هزار زندگی‌نوشت خاطره‌سرشت، گستره و عمق مطالعات نظری درباره آنها چندان پرمایه نیست.

^۱ Autobiographical Literature, Self- Writing Literature

تلقی‌های موجود مربوط می‌شود یا ماهیت اصلی و چیستی این مفاهیم، محل اختلاف نظر است؟

۴. خاستگاه و مایه رفع دلالت‌های مبهم و چندگانه اصطلاحات مذکور چیست؟

پیشینه پژوهش

شکل‌گیری زندگی‌نوشت‌های مدرن فارسی، اعم از انواع شخصی خاطره‌سرشت و غیر آن، به نیمه دوره قاجار مربوط می‌شود؛ اما توجه به مباحث نظری آن در تلاش در جهت برشماری و فهم چیستی، چگونگی ساختار، روش و نحوه‌های شکل‌گیری و احتوای موضوعی پیشینه‌ای چندان ندارد و حداکثر می‌توان سابقه‌ای سی و چند ساله برای آن در نظر گرفت که نمونه‌های اولیه آن عبارت‌اند از: مقدمه *خاطرات نویسی ایرانیان از برت فرگنر*^۱ با موضوع آثار مدرن فارسی در دوره قاجار، سلسله مقالاتی به قلم غلامحسین کرباسچی که در گروه پژوهشی خاطرات در بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی در نشریه «یاد» در سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ منتشر شد و آثاری از پژوهشگرانی نظیر علیرضا کمری، احمد اخوت، احمد اشرف، احمد شعبانی، احمد دهقان، قدسیه رضوانیان، محمدرضا ایروانی، سمیه عباسی، مریم صباغ‌زاده، محمدرضا سنگری، عبدالله حسن‌زاده و نیز نویسندگان مدخل‌های این موضوع که تا حدودی تاریخچه، مصادیق، ماهیت و حدود این نوع نوشتارها را روشن کرده‌اند.^۱ با وجود سابقه و پژوهش‌های نام برده شده به نظر می‌رسد هنوز چارچوب‌های اصلی نوشتارهای خاطره‌محور، روشن و مورد اتفاق نیست. این مقاله، در پی کنکاشی در میان دیدگاه‌های موجود درباره اهمیت مفاهیم و اصطلاحات متداول این عرصه شکل گرفته است.

گفتنی است این پژوهش در نوع خود بی‌نظیر است. دست‌کم نگارنده، از وجود اثری خبر ندارد که در پی بررسی موضوع یا موضوعاتی در این حیطه شناختی، با اعتنا به دستاوردهای پیشین و از رهگذر نقد و نظر درباره آنها شکل گرفته باشد.

اساسی‌ترین مفاهیم و اصطلاحات این گستره موضوعی، در سه اصطلاح «خاطره»، «خاطره‌نویسی» و «خاطرات» است.

در این خصوص، توجه به دو نکته، ضروری است. نخست آنکه منظور از وجود اختلاف نظر در دیدگاه‌های پژوهشگران، متوجه تفاوت در برداشت‌ها و تئوری‌های محققانه به منزله یکی از مهم‌ترین پیش‌زمینه‌های کنکاش و رشد علمی نیست؛ بلکه چنانکه مشاهده می‌شود گاه در ابتدایی‌ترین و بنیادی‌ترین مفاهیم این حوزه که مبنای سایر فهم‌ها و تبادل نظر‌هاست، نه تنها اتفاق نظری به چشم نمی‌خورد، ناهمخوانی و تناقضات چنان‌اند که در بحث‌های متعاقب، پیشبردی در فهم نقاط تاریک این زمینه موضوعی صورت نخواهد گرفت. دیگر آنکه رویکرد این نوشتار، مبتنی بر شناخت گزاره‌ها و توصیف و تبیین آنها است. ضمن آنکه نگارنده در این مجال، به دنبال نقد تعریف‌های موجود در معنای منطقی و متوجه حد و رسم آنها نیست؛ بلکه با توجه به دستاوردهای درخور تأمل در این زمینه - اعم از آنکه محققان، در پی ارائه تعریفی از اصطلاحات مدنظر بوده یا به بیان دیدگاه خود درباره آن پرداخته‌اند - تنها به بخش اول تعریف از حیث منطقی نظر دارد. به عبارت دیگر، نوشتار پیش رو در پی کشف ماهیت و جنس هر یک از این مفاهیم در برجسته‌ترین نوشته‌های موجود این عرصه تا کنون است تا صرف نظر از جزئیات معمول مورد اختلاف در تعاریف و دیدگاه‌های موجود، تفاوت‌های مبنایی را درک و سپس نتیجه‌گیری کند.

پرسش‌های پژوهش

۱. آیا در دلالت‌های معنایی مفاهیم اساسی در گستره زندگی‌نوشت‌های شخصی خاطره‌سرشت اتفاق نظر وجود دارد؟

۲. تلقی پژوهشگرانی که تا کنون در گستره خاطره‌شناختی قلم زده‌اند، از سه اصطلاح متداول این عرصه، یعنی «خاطره»، «خاطره‌نویسی» و «خاطرات» چگونه بوده است؟

۳. در صورت تعدد دیدگاه‌ها، آیا دریافت‌های غیرهمسان به اجزای فرعی و غیرتعین‌کننده تعاریف و

^۱. Bert G.Fragner

۱. خاطره

در نگاهی کلی، همه انواع زندگی‌نوشت‌های فارسی شامل روایتی از همه یا بخشی از زندگی آدمی با رویکردی واقع‌گرایانه، به دو بخش کلی انواع شخصی (من - راوی) و غیر شخصی (او - راوی) تقسیم می‌شود. در گام بعد، همه انواع شخصی آن، با استفاده از دو شیوه خاطره‌نویسی یا یومیه‌نویسی به دست می‌آیند. بُن‌مایه و هسته اصلی انواع نوشتاری حاصل از شیوه خاطره‌نویسی، «خاطره» است. خاطره، واژه‌ای عربی و حاصل ترکیب «خاطر»ⁱⁱⁱ + (ضمیر «ه» نسبت) است. ساخت کنونی این واژه، فارسی و خاستگاه آن عربی است.^{iv} هرچند در فارسی، برابر‌نهادی برای آن وجود ندارد، در کتاب‌های لغت، معانی زیادی برای آن، در گستره مفهومی حافظه، یاد و ضمیر انسانی به چشم می‌خورد. گفتنی است این واژه قدمت چندانی ندارد؛ چنانکه با وجود مدخل «خاطر» در فرهنگ *آندراج* (تألیف ۱۳۰۶ق) در معانی متعدد همراه با شواهد درخور توجه، اثری از واژه‌های «خاطره» و «خاطرات» در آن نیست.^v سیالیت و سردرگمی حاصل از تعلق «خاطره» گاه به اظهارنظرهای متضاد یک نویسنده در اثری واحد منجر شده است؛ برای مثال، دهقان «خاطره» را گاه «یک نوع ادبی» و گاه «جستجوی گذشته آدمی در حافظه و اندیشه او» و گاه «به یاد آوردن حوادث، حالات و ماجراهایی که شخص تجربه کرده، دیده، شنیده یا در جریان آن بوده» دانسته و در نهایت، با صرف نظر از لزوم به‌کارگیری اصطلاحی دیگر در این خصوص، آن را از جنس اثر مکتوبی دانسته که نویسنده با اتکا به حافظه، با مرور گذشته و وقایعی که بر او گذشته نوشته شده است. (دهقان، ۱۳۸۶: ۱۳۶) همچنین، برسازی اصطلاحاتی نظیر «رمان خاطره‌گونه»^{vi} و حتی نوع خاصی از آثار^{vii}، از نمودهای نبود توافق، نه تنها بر تعریف یکی از متداول‌ترین و اساسی‌ترین اصطلاحات این زمینه است، بر تعیین جنس آن به‌منزله ابتدایی‌ترین بخش تعریف است.

نوشتار پیش رو، در پی تکرار تعریف‌های متنوع و متعدد موجود از این واژه نیست؛^{viii} بلکه بر آن است تا از میان آثار کسانی که به تعریف یا اظهارنظری درباره این مفهوم پرداخته‌اند، تعلق آن را به «جنس» و ماهیتی خاص به‌منزله

اصلی‌ترین بخش تعریف نشان دهد و از این طریق، اختلاف زاویه را در فهم‌های متفاوت از مهم‌ترین اصطلاح در این حوزه بنمایاند.

۱.۱. خاطره در معنای موجودی ذهنی

گاه منظور از این اصطلاح - حتی بدون التزام به تفکیک در عرصه وجود و اظهار - موجودی ذهنی است. کمبری، خاطره را در مفهوم اول، بالاصاله، مظلوفی برای خاطر و موجودی ذهنی می‌داند که در نتیجه دریافت ذهن از مبادی شناختی ادراکی - حواس پنجگانه و اندریافت‌های فراحسی (روایاها و مکاشفات) - در قبال واقعیات (بیرونی و درونی) در حافظه/یاد، ثبت و جای‌گیر می‌شود. او در این مفهوم، خاطر را ظرفی برای این پدیده به‌منزله مظلوف قلمداد کرده است. (کمبری، ۱۳۸۶: ۳۷) از نظر او، خاطره (یادمان) پدیده تعلق‌یافته خاطر (یاد، حافظه) یا داشته حافظه است. او در صفحاتی دیگر، خاطره را مظلوف و محتوایی می‌داند که در ظرف ذهن (خاطر/حافظه) جای گرفته و حاصل بازتاب مشاهدات، کرده‌ها، گفته‌ها و شنیده‌ها است. (کمبری، ۱۳۸۳: ۲۷-۲۸) از نظر حسینی‌نژاد نیز خاطره، تصویر ماندنی در ذهن است که رنگ خیال و عاطفه پذیرفته است. (رک. حسینی‌نژاد، ۱۳۸۲: ۱۸) برخی مترادفات موجود در فرهنگ‌ها نیز کاملاً بر این وجه از خاطره اعتنا دارند؛ نظیر یادگار، یادبود، یاد، ذهن، حافظه، ضمیر، اندیشه و خیال. (عمید، ۱۳۹۲، ج ۲: ۹۷۵-۹۷۶؛ نفیسی، ۱۳۴۳، ج ۲: ۱۳۱۲)

۱.۲. خاطره در معنای ساخت عینی (گفتاری، نوشتاری)

خاطره یا خاطره‌ها پس از تکون مواد خام در ذهن و به مدد عنصر روایت، ساختی مشخص اعم از شفاهی یا کتبی پیدا می‌کند و به‌صورت متن عینی و دارای زمینه فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و ادبی در می‌آیند. آنگاه که خاطره در معنای امری ذهنی با طرحی مجرد، در قالب روایت عینی اظهار شود و به گفتار یا نوشتار درآید، طرحی نشانه‌ای به خود می‌گیرد که عنوانی متفاوت را می‌سزد. حال آنکه غالباً در میان نوشتارها چنین تفکیکی لحاظ نشده است. گاه پژوهشگر در این کاربرد اصطلاح، همراه با توضیحی اضافه، به اعتنای

غلامحسین یوسفی نیز در تعریف «خاطره» تنها به وجه نمود عینی آن در قالب نوشتاری توجه دارد و آن را عبارت از هر چیزی می‌داند که از روی قصد و آگاهی نوشته شده و مقصود از آن، معرفی عمل و اندیشه صاحب اثر بوده است. (یوسفی، ۱۳۸۰: ۳۶۱) ایروانی نیز هرچند در اثر خود بارها اصطلاح «خاطره‌نگاشته» و «خاطره‌نوشته» را به کار برده، در نهایت در ارائه تعریفی از «خاطره» آن را اثر، نوشته یا پدیده‌ای روایی می‌داند که پدیدآورنده آن، با آگاهی و اراده، به شرح احوال، حادثه‌ها و رویدادهای گذشته می‌پردازد؛ ولی او در ادامه، این بار «خاطره‌نگاشته» را خاطره‌ای می‌داند که به صورت مکتوب درآمده باشد! (ایروانی، ۱۳۹۰: ۱۵)، به طوری که با مطالعه دقیق تنها چند صفحه از این اثر به راحتی می‌توان به سردرگمی نویسنده در انتخاب مفهوم و کاربرد اصطلاحات دقیق مدنظر پی‌برد.

۱.۳. خاطره در معنای نوع نوشتاری خاص

برخی در این میان، گامی فراتر رفته و «خاطره» را یک نوع و ژانر نوشتاری دانسته‌اند؛ برای مثال، عبادیان، بین «خاطره» و «خاطرات» بدون ذکر هر گونه توضیح، تمایزی این چنین قائل شده است که مبنای آن بر نویسنده این سطور معلوم نشد: «خاطره یک نوع ادب (ژانر) نوظهور در ادبیات جنگ است. (عبادیان، ۱۳۷۹: ۲۳۶) نگاهی بر این جمله نیز از تلقی خاطره در مفهوم نوعی ادبی در دیدگاه زارع حکایت دارد: «انتخاب این زاویه دید با نوع ادبی خاطره هماهنگی دارد». (زارع، ۱۳۹۷: ۶۵) چنانکه سنگری در دو عبارت ذیل، «خاطره» را در مفهوم ژانری مجزا از برخی دیگر از زندگی‌نوشت‌ها به کار برده است. «یادداشت روزانه می‌تواند شامل مسائل جزئی و بسیار مهم و اساسی زندگی باشد که گاهی اوقات تمهید و مقدمه‌ای برای رسیدن به ژانرها و گونه‌های دیگر مانند خاطره، زندگی‌نامه و داستان شود. همان‌گونه که برخی از بزرگ‌ترین آثار ادبی ما محصول یادداشت‌های روزانه‌اند.» و «امروز گونه ادبی خاطره درخشان‌ترین دوره خود را در روزگار ما می‌گذراند». (سنگری، ۱۳۹۲: ۲۴؛ ۱۳۹۲ «الف»، ۱۷) در این راستا صباغ‌زاده نیز بر آن است که «خاطره» یک قالب معتبر ادبی است. همچنین، این جمله او که «تشابهی هم

خویش بر نکته صحنه می‌گذارد. عباراتی نظیر «خاطره، در معنی متن و اثر، اظهارنامه تعلقات و داشته‌های ذهنی آدمی از گذشته و حاصل از کرده‌ها، کنش‌ها، مشاهدات و شنیده‌های اوست». (کمری، ۱۳۹۴: ۱۱۲؛ ۱۳۸۳: ۲۸) از این توجه حکایت دارد. کمری در جای دیگر تعریف خود را چنین مقید می‌کند: «منظور از خاطره (به معنای مکتوب) بازگفت و بازنوشت یادهای پیشین دارنده خاطره به قلم خود اوست». (کمری، ۱۳۸۳: ۵۹)؛ چنانکه در برخی نوشتارها وجود اصطلاح «کتاب‌های خاطره»، «خاطره‌نگاشته» و «خاطره‌نوشته» نیز بر این تأکید استوار است.^{۱۰} هرچند این احتیاط و توجه در تقیید «خاطره» به مفاهیمی اضافه، بر خلأ ناشی از وضع اصطلاحات در پی ناشناخته‌ماندن مفاهیم موجود تکیه دارد و چندان راهگشا نیست، در بسیاری اظهارنظرها نه تنها در عرف عام، از سوی برخی محققان نیز این نکته مغفول مانده است؛ به طوری که بارها اصطلاحی واحد، هم‌زمان، به موجودی ذهنی و صورت اظهارشده آن از جمله در قالب نوشتار اطلاق شده و همین، موجبات ابهام و شفافیت‌زدایی را در مسیر درک دقیق علمی فراهم کرده است؛ برای مثال، حتی کمری که گاه به نحوی از این تمایز خبر می‌دهد، در بسیاری عبارات خود از قید مذکور چشم می‌پوشد و هم‌زمان و در یک ریخت‌واژگانی، «خاطره» را در ماهیت نوشتار به کار می‌برد؛ نظیر آنکه «خاطره» را اثر و نوشته‌ای می‌داند که نویسنده، آن را در نتیجه یادآوری ارادی شرح حال و حوادث و رویدادهای سپری‌شده در زمان و مکان معلوم، پدید می‌آورد. (رک. کمری، ۱۳۸۳: ۵۷) گفتنی است کمری در پاسخ چرایی این کاربرد واحد، جز بر مفهومی بالاصاله، بر آن است که «واژه خاطره و خاطرات، معمولاً خاطرات مکتوب را به ذهن متبادر می‌کند. گویی این شکل خاص از خاطرات با تمامی اشکال آن برابر دانسته شده است» و با آنکه او هر دو اصطلاح «خاطره‌گفته» و «خاطره‌نوشته» را در اطلاق صورت‌های اظهارشده «خاطره» روا می‌داند، چنین گزارش می‌دهد که «خاطره‌نگاشته را از نظر روانی کلام و کوتاهی عبارت، از روی مسامحه، خاطره می‌خوانند». (کمری، ۱۳۸۳: ۲۹)

در همین دایره معنایی، برت فرگنر نیز «خاطره» را شرح حال یا قسمتی از زندگی فرد می‌داند. (فراگنر، ۱۳۷۷: ۲۷)

می‌شود؛ برای مثال، در عبارات ذیل، تنها به وجه ثبت شخصی روایت‌ها توجه شده است: «یادداشت‌ها و دست‌نوشته‌ها که بخشی از آنها به صورت روزانه نوشته می‌شوند نیز ذیل و در شمار خاطره‌ها جای می‌گیرند» (کمری، ۱۳۸۳: ۸۵)، و «خاطره نیز مانند همه نوع‌های ادبی مشخصه‌هایی دارد» (دهقان، ۱۳۸۶: ۱۷۸)

۱. ۵. خاطره در معنای فعلی (معادلِ خاطره‌نویسی یا خاطره‌گویی)

کم‌دقتی در کاربرد دقیق این اصطلاح کار را به جایی می‌رساند که گاه با چشم‌پوشی از ساخت واژگانی این اصطلاح، از آن معنایی معادل با فعل «روایت‌گری، بازگویی و بازنویسی» اراده می‌شود؛ برای مثال، سنگری «خاطره» را گونه‌ای از روایت و روایت‌گری تعریف می‌کند که راوی، رویداد یا رویدادهایی را بیان می‌کند. از نظر او «خاطره، بازگویی، بازنویسی و کارگاه بازنویسی دیده‌ها، شنیده‌ها و کرده‌های زمان گذشته است». او بلافاصله در جملات بعد، این مفهوم را نوعی یادکرد از گذشته در ساختار و شکل روایی قلمداد می‌کند. (سنگری، ۱۳۹۲ «س»، ۷۵) او در جای دیگر نیز به صراحت بر آن است که «خاطره گونه‌ای روایت‌گری است که راوی، رویداد و رویدادهایی را بیان می‌کند». (سنگری، ۱۳۹۲ «الف»، ۱۴) این جمله از دهقان نیز حاکی تلقی مفهوم فعلی از این اصطلاح است: «خاطره را می‌توان جستجوی گذشته آدمی در حافظه و اندیشه او معنا کرد. خاطره، به یادآوردن حوادث، حالات و ماجراهایی است که شخص تجربه کرده، دیده، شنیده یا در جریان آن رویداد بوده است». (دهقان، ۱۳۸۶: ۱۳۶)

۱. ۶. خاطره در معنای رویداد و واقعه منشأ

عامل اصلی شکل‌گیری خاطره‌ها بالاصاله، ماندگاری آثار رویدادهای گذشته در ذهن است. صرف‌نظر از سازوکارهای حافظه در ثبت، نگهداری و بازیابی داده‌ها و عوامل درونی و بیرونی مؤثر در برجای‌ماندگی رخدادهای گذشته در ذهن و فراخوانی آنها، نظر به تناظر و نسبت مستقیم میان خاطره و اصل رویداد، گاه در تلقی از مفهوم خاطره، تنها به رویداد

بین خاطره و سفرنامه وجود دارد»، به‌درستی گویای دیدگاه اوست. از نظر او، این دو قالب بسیار به هم نزدیک‌اند و از وجود یکدیگر بهره‌ها می‌برند. (مریم صباغ‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۱) حسن‌زاده نیز از «خاطره» در ماهیت قالبی نگارشی در مقایسه با قالب‌های دیگر نظیر گزارش، مقاله، تاریخ نگاشته، زندگی‌نامه، سفرنامه و داستان یاد کرده است. (حسن‌زاده میرعلی، ۱۳۹۲: ۶۶)

در تکمیل این بخش در بیان گزارشی از وجود این تلقی در پژوهش‌های رایج، از کاربرد «خاطره» در عبارات و تعبیرات متعدد به قلم کمری نیز یاد می‌شود. او گاه این اصطلاح را در تناظر و مقایسه با انواع نوشتاری شناخته‌شده نظیر زندگی‌نامه و سفرنامه به کار برده است. نمونه‌هایی از آن عبارت‌اند از: «ضروری است به تمایز و تفاوت خاطره و زندگی‌نامه توجه شود؛ زیرا در برخی عبارات بازگفته پیشین، زندگی‌نامه و خاطره گاه قریب‌المعنی یا به مفهوم مکمل یکدیگر آورده شده‌اند». (کمری، ۱۳۸۳: ۷۷) گاه جز با قراین معنایی نمی‌توان مفهوم این واژه‌ها را دریافت؛ برای مثال: «زندگی‌نامه اعم از خاطره است و خاطره، گونه‌ای زندگی‌نامه‌نویسی است. خاطره یکی از اقسام و زیرمجموعه زندگی‌نامه به حساب می‌آید. سفرنامه، گونه‌ای خاطره است. وجه غالب، آن است که سفرنامه با خاطره از یک سنخ محسوب می‌شود». (کمری، ۱۳۸۳: ۸۳-۸۵) او در همین حوزه معنایی، در پرسمان یاد از «تبدیل خاطره به متن ادبی» فراوان سخن گفته است؛ حال آنکه با توجه به قرائن معنایی، مراد از آن، انواع نوشتاری مبتنی بر خاطره‌ها است. (کمری، ۱۳۹۴: ۲۰۱)

۱. ۴. خاطره در معنای نوعی نوشتار، مبتنی بر روایت‌های شخصی (زندگی‌نوشت‌های شخصی)

چنانکه پیشتر اشاره شد همه زندگی‌نوشت‌های شخصی، خاطره‌محور و حاصل از شیوه خاطره‌نویسی نیستند؛ بلکه بخشی از آنها به شیوه یومیه‌نویسی و در پی ثبت روزانه وقایع در قالب یادداشت‌های شخصی شکل می‌گیرند؛ اما اغلب، این دقیقه‌چندان مورد اعتنا نیست و از همه آثار حاوی روایت‌های شخصی، با عناوین «خاطره» و «خاطرات» یاد

۱.۸. خاطره در معنای گستره‌ای از علوم و معارف بشری

صرف‌نظر از تناظرهای ایجادشده میان خاطره و انواع نوشتاری مانده آن نظیر زندگی‌نامه و سفرنامه، مقایسه‌های متداول و مکرر میان مفاهیمی مانند «خاطره» و «تاریخ» و حتی خاطره و ادبیات، نشان از گستره وسیع معنایی این اصطلاح در کنار حیطه‌هایی از علوم و دانش‌های بشری دارد؛ گستره‌ای که فهم معنای دقیق را بر کسانی دشوار می‌سازد که مایلند شناخت خود را بر درک شفاف و صریح و دقیق واژگان و اصطلاحات این حوزه از علوم انسانی استوار سازند؛^{xi} برای نمونه، راقم این سطور به هیچ روی نمی‌تواند منظور صریح عبارتی از این قبیل را در پیوند با معانی و مفاهیم مندرج در فرهنگ‌های لغت و منابع نگارش‌یافته در این زمینه دریابد. جملاتی نظیر «تاریخ، موضوع‌محور است و خاطره، معطوف کرد و کار و داشت و پنداشتِ راوی و صاحب خاطره است» از این دست است. (رک. کمری، ۱۳۹۴: ۲۰) همچنین، عبارتی نظیر: «امروزه، خاطره به داستان بسیار نزدیک است» (سنگری، انگیزه‌ها: ۱۹)، «جمع میان داستان و خاطره امکان‌پذیر است» (کمری، ۱۳۹۴: ص ۱۷۰) «مرد اول در تاریخ شفاهی مورخ است به خلاف خاطره» (کمری، ۱۳۹۴: ۳۰۷) و «جدابیت رویدادها در خاطرات از نکات مشترک داستان و خاطره می‌تواند باشد» از این قبیل‌اند. (نورائی، ابوالحسنی ترقی، ۱۳۸۹: ۱۱۰)

از این رو، بالقوه پرسش‌هایی از این قبیل در ذهن نقش می‌بندد که مقصود از خاطره، کدام نوع نوشتاری است؟ اساساً آیا منظور از آن، ساختی مکتوب است؟ منظور از اصطلاح عام داستان در این عبارت‌ها چیست؟ آیا نوعی خاص از انواع متداول آن در سنت ادب فارسی، مراد است؟

۲. خاطره‌نویسی

«خاطره‌نویسی» به لحاظ ساخت دستوری، اسم مصدر با افزودن «ی» مصدری به صفت فاعلی مرکب مرخم «خاطره‌نویس» و معنای آن عمل نوشتن خاطره است. به‌طور خلاصه، خاطره‌نویسی، «نوشتن خاطره» (انوری، ۱۳۸۱: ۴ و ۲۶۳۵) یا «عمل ثبت خاطرات» (دهخدا، ۱۳۲۵: ۱۹ و ۶۴) است. به عبارت دیگر، این اصطلاح، با عنایت به ریشه اسمی

توجه می‌شود؛^x برای مثال، در برخی مترادفات مندرج در فرهنگ‌های لغات فارسی، چنین فهمی از «خاطره» فراوان به چشم می‌خورد؛ برای مثال، در تعاریف «اموری که بر شخص گذشته باشد و آثاری از آن در ذهن شخص مانده باشد، اتفاقی که در گذشته روی داده و در یاد شخص باقی مانده، گذشته‌های آدمی، وقایع گذشته که شخص آن را دیده یا شنیده است، دیده‌های گذشته یا شنیده‌های گذشته»، خاطره کاملاً هم‌جنس رویداد دانسته شده، نه پدیده‌ای ذهنی که در فرآیندی در پی اصل آن واقعه شکل گرفته است. (دهخدا، ۱۳۲۵: ۱۹ و ۶۴) در تعریفی از احمد اخوت نیز تلقی از خاطره‌ها در جنس و برابر با صحنه‌ها و حوادثی است که بر صحنه ذهن و خاطر شخص اثر می‌گذارد و در یاد می‌ماند. (اخوت، ۱۳۷۴: ۹) تعریف نهایی کرباسچی از خاطره نیز از همین زمره است. پس از بحث‌های مختلف: «خاطره از نظر لغوی هر حادثه و امر مهمی است که در یاد و حافظه می‌ماند و گهگاه به ذهن خطور می‌کند و تداعی می‌شود». (کرباسچی، ۱۳۶۶: ۳۳)

۱.۷. خاطره در معنای بُرش و قطعه‌ای از زندگی

گاه منظور از خاطره، بخش و پاره‌ای از زندگی، با ویژگی‌هایی خاص دانسته شده است؛ برای مثال، از نظر سنگری، خاطره، بُرشی از زندگی است که دارای این پنج خصوصیات باشد: برجسته باشد، شاخص باشد، آنچنان که در ذهن مانده باشد، از گذشته باشد، لذتی را با خود همراه داشته باشد، هویت‌نما باشد و تظاهرات بیرونی یعنی بازنمایی مکتوب یا ملفوظ داشته باشد (سنگری، ۱۳۹۲: «الف»: ۱۴) او همچنین در جای دیگر، با اعتنا به تأثیر میزان پوشش روایت‌های زندگی در تعیین گستره مفهوم خاطره در مقایسه با «زندگی‌نامه»، ذیل این مبحث و در کنار آن، به چستی خاطره اشاره می‌کند: «نگارش زندگی‌نامه گاه در هیئت بُرشی از زندگی بوده است که خاطره نامیده می‌شود و گاه بخشی از زندگی و گاه گهواره تا گور را در بر می‌گیرد که زندگی‌نامه خوانده می‌شود». (سنگری، ۱۳۹۲: «س»: ۸۱)

در حفظ سیطره زندگی‌نامه با قائل شدن به فرعی‌پنداری سایر انواع زندگی‌نوشت‌ها باشد. به نظر می‌رسد نادیده‌انگاری نوعی فراگیر به منزله ابر ژانر زندگی‌نوشت و توجه به انواع دیگر آن در عرض زندگی‌نامه‌ها بستر این تلقی نادرست را فراهم کرده باشد. راقم این سطور با طرح و شرح ایده زندگی‌نوشت‌های فارسی بر ضرورت شناخت همه انواع زندگی‌نوشت‌ها در قلمروی یک مفهوم کلی تأکید دارد.^{xv}

گذشته از مفهوم دقیق «خاطره‌نویسی» که بر معنای واژگانی آن منطبق است، این اصطلاح در مفهومی واحد از سوی همگان، حتی اهل تحقیق درک نمی‌شود؛ تا جایی که در گام اول تعریف و تعیین ماهیت و جنس آن، اتفاق نظر وجود ندارد. برخی محققان این اصطلاح را در دو معنای دیگر نیز به کار برده‌اند:

۱.۲. خاطره‌نویسی در معنای یکی از انواع نوشتار

برخی لفظ «خاطره‌نویسی» و مترادف آن را بدون توجه به ساخت واژه، نه ناظر به فعل و شیوه ثبت خاطرات، در ایفاد یکی از انواع نوشتار به کار برده‌اند. نظیر این عبارت: «دربارۀ ژانر خاطره‌نگاری در تحلیل‌ها و نقدهای ادبی غفلت شده است». (زارع، ۱۳۹۷: ۶۷) مریم ربیعان نیز در فرهنگ‌نامه *ادب فارسی*، «خاطره‌نویسی» را یکی از انواع ادبی و شکلی از نوشتار می‌داند که در آن، نویسنده، خاطرات خود را بازگو می‌کند؛ یعنی صحنه‌ها یا وقایع زندگی‌اش را که در آنها نقش داشته یا شاهدشان بوده است. (انوشه، ۱۳۷۶: ۵۴۳) در فرهنگ *ادبیات فارسی* نیز ذیل مدخل «خاطره‌نویسی یا خاطرات‌نویسی» آمده: «از انواع فرعی ادبی و قسمی از ادبیات اعترافی است که در آن نویسنده صحنه‌ها و وقایعی را که در زندگی‌اش روی داده یا شاهد آنها بوده است، به روی کاغذ می‌آورد». (شریفی، ۱۳۸۷: ۵۵۸) همچنین، در این اثر، از خاطره‌نویسی به عنوان «نوعی برتر» یاد شده است. در بسط این مراد، ذیل «یادداشت‌های روزانه یا روزنامه خاطرات» از آن به عنوان گونه‌ای خاطره‌نویسی یاد می‌شود که نگارنده در آن، کارها و فعالیت‌های خود را روزبه‌روز یادداشت می‌کند. (شریفی، ۱۳۸۷: ۱۵۱۳)

گفتنی است ربیعان در ادامه، در توضیحی بیشتر از آنچه

بخش اول آن، به معنای عمل ثبت روایت‌های زندگی شخصی است که در آن، راوی، وقایع و صحنه‌هایی را که در زندگی‌اش روی داده، شاهد بوده یا آنها را از افراد آگاه شنیده و به خاطر سپرده است را در زمانی متأخر و عمدتاً با تکیه بر حافظه می‌نویسد. در برخی دیگر از نوشته‌های محققان نیز به درستی از این اصطلاح با عنایت به ساختار دستوری آن و در معنای عمل نگارش خاطرات، یاد شده است؛ برای مثال، رک. سنگری، ۱۳۹۲ «الف»: ۱۵-۱۶).

خاطره‌نویسی ممکن است ناظر به یادهای سراسر زندگی نویسنده یا قسمتی از آن، یا مربوط به دوره، واقعه، موضوع و فردی خاص باشد. می‌توان از آثاری که در پی خاطره‌نویسی شکل می‌گیرند، با عنوان «زندگی‌نوشت‌های شخصی خاطره‌محور» یاد کرد که گاه انواعی از آن نام برده شده است.^{xii} «خاطره‌نویس» نیز کسی است که خاطرات خویش را می‌نویسد. گفتنی است برخی با اعتنا به سنت وقایع‌نگاری در ادب و فرهنگ فارسی در خصوص ثبت خاطره‌ها و نیز سنت پُررنگ دهه‌های اخیر در ثبت خاطره‌های برشیده که حاصل گفت‌و شنود و سپس کتابت «خاطره‌های شفاهی» از سوی فردی دیگر است، خاطره‌نویسی را لزوماً به معنای ثبت خاطرات فرد توسط خود او نمی‌دانند. با تکیه بر سنت اول، در فرهنگ لغت آمده است که خاطره‌نویس‌ها افرادی‌اند که خاطرات افراد بزرگ تاریخ زمان خود را می‌نویسند. اهمیت و تکیه بر سنت دوم نیز تا آنجاست که علیرضا کمری، برای کسانی که خاطره‌های خود را به قلم خود به نگارش در می‌آورند و افرادی که خاطرات شفاهی دیگری را به نگارش در می‌آورند، هویت و کارکردی متفاوت، قائل شده است؛^{xiii} حال آنکه از منظر بسیاری دیگر، این دو اصطلاح مترادف دانسته شده‌اند.

به‌طور متداول، خاطره‌نویسی زیرمجموعه زندگی‌نامه‌نویسی و یکی از فروع آن شناخته شده است؛^{xiv} ولی این تلقی، صحیح و دقیق به نظر نمی‌رسد. در این دیدگاه، اهمیت خاطره و خاطره‌نویسی، بالذات و به‌تنهایی شناخته نمی‌شود؛ بلکه مهم‌ترین کارکرد آن، در ارتباط با زندگی‌نامه‌نویسی تعریف می‌شود. شاید علت این لغزش، اصرار در تلقی از زندگی‌نامه به منزله نمونه تام و برتر و تمایل

همچنین، در مدخل «زندگی‌نامه خودنوشت» زندگی‌نامه شخصی" (آبرامز، ۱۳۸۷: ۳۴۰)، نویسنده با توجه به وجود گونه‌ای نوشته در زندگی‌نوشت‌های شناخته‌شده در غرب، آن را زندگی‌نامه‌ای می‌داند که شخص درباره خود نوشته است. از نظر او «باید میان آن و خاطره‌نویسی (memoir) (یادگذاره) تفاوت قائل شد». هرچند نویسنده، این اصطلاح را از روی دقت انتخاب نکرده، از برابرواژه انگلیسی آن و نیز اشاره آمده در توضیح مطلب، می‌توان دریافت مقصود وی از «خاطره‌نویسی» نه در ساخت مصدری نوشتن، بلکه مفهوم خاص آن دال بر نوع خاصی از زندگی‌نوشت شخصی، حاوی خاطرات فردی است.

۲.۲. خاطره‌نویسی در معنای کلی ثبت روایت‌های زندگی

شخصی

پیش‌تر اشاره شد که همه انواع حاصل از زندگی‌نگاری شخصی یا زندگی‌نوشت‌هایی که با روایت «من» شکل می‌گیرند، حاصل تحریر روایات شخصی در دو شیوه اصلی خاطره‌نویسی و یومیه‌نویسی هستند. یومیه‌نویسی به شاخه‌ای از زندگی‌نگاری شخصی اطلاق می‌شود که در آن، نویسنده، شرح عملکرد، مشاهدات و مسموعات خود را به‌طور هم‌زمان یا با فاصله اندکی از رخدادها به ثبت می‌رساند که هدفمندی و پرداختن به جزئیات از مهم‌ترین ویژگی‌های آن است. درمقابل، فراخوانی و ثبت بازمانده‌های ذهنی گذشته غالباً دور به کمک حافظه، در شیوه خاطره‌نویسی صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، اطلاق «خاطره‌نویسی» تنها بر ثبت خاطرات یا بازمانده ذهنی رویدادها صحیح است؛ حال آنکه در برخی عبارات و تعاریف موجود، خاطره‌نویسی علاوه بر نگارش روایت‌های خاطره‌سرشت، بر هر نوعی از ثبت رویدادهای زندگی اطلاق می‌شود و از این نظر، یادداشت‌های روزانه نیز ذیل انواع خاطره‌نویسی قرار می‌گیرند. عباراتی نظیر اینکه «یادداشت‌های روزانه، گونه‌ای از خاطره‌نگاری است که در آن، نگارنده حال‌ها و کرده‌های خود و وقایع پیرامون را به‌صورت روزنوشت و تقویمی مکتوب می‌کند»، نمونه‌ای از این طرز تلقی است. (حسن‌زاده میرعلی، ۱۳۹۲: ۶۹) در همین راستا، شهبازی نیز آن را شامل سه زیرشاخه دانسته است:

یاد شد، با صورت‌دادن مقایسه‌ای عجیب میان یک نوع نوشتاری و شیوه‌ای از نوشتار، چنین می‌افزاید: «سفرنامه و خاطره‌نویسی، با اینکه شباهت زیادی با هم دارند، هر یک ویژگی‌های خاص خود را دارا هستند و به‌اصطلاح، میان این دو رابطه عموم و خصوص من‌وجه برقرار است». (انوشه، ۱۳۷۶: ۵۴۴) نویسنده بدون توجه به ماهیت فعل خاطره‌نویسی و نقش و رویکردهای متنوع آن در شکل‌گیری گونه‌های متنوع نوشتاری با زمینه‌های موضوعی مختلف، صرف‌نظر از قیاس ناموجهی که بین خاطره‌نویسی و زندگی‌نامه خودنوشت صورت می‌دهد، آنها را از این نظر متمایز می‌داند «که در خاطره بر خود رو به رشد نویسنده تأکید ندارد؛ بلکه تکیه آن بر مردمی است که با آنها برخورد داشته‌اند و وقایعی است که شاهدشان بوده یا در آنها نقش ایفا کرده است!». هرچند در صفحاتی دیگر از همین فرهنگ‌نامه ادب فارسی، ذیل مدخل «زندگی‌نامه خودنوشت» از این وجه تمایز نیز صرف‌نظر می‌شود: «با اندکی مسامحه می‌توان خاطره‌نویسی و یادداشت‌های روزانه شخصی را نیز نوعی زندگی‌نامه خودنوشت برشمرد!». (انوشه، ۱۳۷۶: ۷۶۳-۷۶۵)

همچنین دقت در تقسیم‌بندی قدسیه رضوانیان در فصل اول از سرگذشت‌نویسی به داستان‌نویسی که در آن، «سرگذشت‌نویسی» را شامل چهار گونه نوشتاری می‌داند، از این نظر درخور اعتنا است. او بدون وقوف بر لزوم رعایت سنخیت انواع و شیوه‌های نوشتاری، چهار مفهوم «یادداشت روزانه»، «خاطره‌نویسی»، «زندگی‌نامه» و «سفرنامه» را از یک جنس و هم‌تراز قرار می‌دهد!

تعریف خاطره‌نویسی به‌منزله نوعی از انواع فرعی ادبی و قسمتی از ادبیات اعترافی، در توضیحات محمد شریفی در فرهنگ ادبیات فارسی، ذیل مدخل «خاطره‌نویسی یا خاطرات‌نویسی» نیز با همین لغزش تکرار شده است. (شریفی، ۱۳۸۷: ۵۵۸) این عبارت رضا بهمنی نیز در مقاله «آسیب‌شناسی تطبیقی ادبیات پایداری ایران» حاکی از تلقی او از «خاطره‌نگاری» در معنای نوعی از آثار ادبی است: «بخش عمده‌ای از آثار ادبیات دفاع مقدس ما را خاطره‌نگاری‌های رزمندگان تشکیل می‌دهد». (فروغی جهرمی، ۱۳۸۹: ۱۸۸)

عباراتی رسید که از کنار این نکته عبور کرده است. «یادداشت‌های روزانه (روزنامه) نیز گونه‌ای خاطره‌نویسی هستند». (کمری، ۱۳۸۳: ۸۵)

به نظر می‌رسد کاربرد ترکیب باسابقه و متناقض «روزنامه خاطرات» چندان صحیح به نظر نمی‌آید. این لغزش به صراحت در برخی اظهارنظرهای اخیر نیز صورت گرفته است؛ برای مثال، در «زندگی‌نامه خودنوشت "زندگینامه شخصی"» آمده است: «زندگی‌نامه خودنوشت با یادداشت شخصی با خاطرات روزانه تفاوت دارد». (آبرامز، ۱۳۸۷: ۳۴۰) محمدحسین صنعتی نیز ذیل مطلبی با عنوان «یادداشت» بر آن است که «یادداشت‌های روزانه به اعتباری نوعی خاطره‌نگاری یا گفته و نوشته تاریخی و تقویمی اند». (صنعتی، ۱۳۸۹: ۱۱۷) جالب اینکه برخی نیز مانند مریم قانونی با پی‌بردن به تفاوت این دو شیوه، انواع این زندگی‌نوشت‌های شخصی را به دو گونه «خاطرات روزنویس» و «خاطرات دیرنگاشت» تقسیم کرده‌اند. قانونی در سراسر اثر خود بدون التزام به ارائه تعریفی از این مفاهیم، هر گاه به این دو گونه نوشته نظر دارد، از این دو اصطلاح و نیز «خاطرات نزدیک» و «خاطرات دور» استفاده کرده است که حاوی تناقض‌هایی در معنا هستند. (برای مثال، رک. قانونی، ۱۳۸۷: ۵۸ و ۶۳)

همین سردرگمی در کاربرد «خاطره‌نویسی» گاه در معنای فعل نوشتن، گاه قالبی از نوشتار و گاه روش و شیوه‌ای از روایت، سردرگمی‌های زیادی برای برخی نظیر مریم ربیعیان ذیل مدخل «خاطره‌نویسی» در فرهنگنامه ادب فارسی ایجاد کرده است: «خاطره‌نویسی در کنار اینکه شکلی از نوشتار به‌شمار می‌آید، به‌عنوان یکی از انواع ادبی، در زمره ادبیات اعترافی قرار می‌گیرد؛ اما گفتنی است در همین حیطه ادبیات ممکن است میان خاطره‌نویسی و پاره‌ای دیگر از انواع ادبی نزدیک به آن یا مبتنی بر آن مثل سفرنامه، زندگی‌نامه خودنوشت، گزارش، داستان، یادداشت‌نویسی، اعترافات و مانند آن اختلاط‌هایی پیش آید». (انوشه، ۱۳۷۶: ۵۴۳-۵۴۵) خواننده بدون دریافت پاسخ برای این سؤال که چطور عمل نوشتن خاطره‌ها در زمره و ذیل نوع یا انواع نوشتاری اعم از ادبی و غیر ادبی قرار می‌گیرد، بلافاصله با این پرسش مواجه می‌شود که چطور می‌توان بین فعل نوشتن خاطره و گونه‌های

خاطرات مکتوب، خاطرات شفاهی و یادداشت‌های روزانه. (حسن‌زاده میرعلی، ۱۳۹۲: ۶۵؛ به نقل از شهبازی، ۱۳۸۶: ۳۶) در فرهنگنامه ادب فارسی نیز در تبیین خاطره‌نویسی، لغزش مذکور در مقایسه بین این شیوه نگارش رویدادهای زندگی و یادداشت‌نویسی صورت گرفته است. ربیعیان، نویسنده مدخل «خاطره‌نویسی» بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های این دو شیوه، به‌ویژه در ثبت رویدادها پس از گذشت زمانی درخور توجه، در مقابل ثبت آنها به‌طور هم‌زمان، «خاطره‌نویسی» را از آنجا که ممکن است به شکل ثبت وقایع روزانه و تنظیم زمانی یادبودها باشد، به «یادداشت روزانه» شبیه می‌بیند؛ اما عجیب‌تر آنکه او در وجه‌تمایز آن دو بدون اشاره به مهم‌ترین وجه افتراق آنها می‌نویسد: «یادداشت‌نویسی از خاطره‌نویسی عمومی‌تر است و به انواع گوناگون یادداشت‌های غیرخاطره‌ای زندگی خصوصی، وقایع‌نگاری و موارد دیگری از این دست تقسیم می‌شود». ربیعیان، در ادامه توضیحات خود، بدون توجه به نحوه شکل‌گیری برخی انواع نوشتاری، نظیر وقایع‌نامه‌های سنتی در ادب فارسی و نیز تفاوت در یادداشت‌نویسی و خاطره‌نویسی و نیز نقش رویکردهای خاطره‌نویس از حیث موضوعات، با قیاس بین این فعل و وقایع‌نگاری، بر آن است که «خاطره‌نویسی، از وقایع‌نگاری نیز متفاوت است؛ زیرا وقایع‌نگار، حوادث را متوالی و پی‌پای روایت می‌کند و خاطره تا جایی برایش ارزش استفاده دارد که سندیت داشته باشد و به کار تاریخ‌نگاری بیاید». (انوشه، ۱۳۷۶: ۵۴۴-۵۴۵)

به عبارت دیگر، اهمیت زمان در ثبت رخدادها - در گذشته یا هم‌زمان - به‌منزله اساس افتراق میان خاطره‌نویسی و یادداشت‌نویسی کاملاً مغفول مانده است؛ نظیر مطالبی که پیش‌تر ذیل «یادداشت‌های روزانه یا روزنامه خاطرات» در فرهنگنامه ادبیات فارسی آمد؛ حال آنکه این توجه در اظهارنظرهای اخیر علیرضا کمری به‌خوبی مشهود است؛ برای مثال، او بر آن است که «یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های یاد نوشته‌های روزانه، دقت در ثبت جزئیات است. یادداشت‌های روزانه غالباً دقیق و جزئی‌اند و از تأثیر برداشت‌ها و تفسیرهای آتی برخلاف خاطره‌نویسی مبرایند» (کمری، ۱۳۹۱: ۱۹)؛ هرچند گاه می‌توان در آثار پیشین او به

عبارت به چنین دلالتی ناظر باشد «به گمان من، اگر نویسنده خاطرات از قریحه هنری و ادبی برخوردار باشد، بسا که اثر او به صورت یکی از انواع ادبی درآید» (یوسفی، ۱۳۶۷: ۳۶۱). همچنین، می‌توان بسیاری از عبارات مقاله را مثال زد؛ نظیر «خاطرات و زندگی‌نامه‌ها نیز برای اینکه تصویری واقعی از شخصیت ارائه دهند، باید متکی بر اسناد و مدارک باشند» (نورائی، ابوالحسنی ترقی، ۱۳۸۹: ۱۱۷)

عموماً مرز میان این دو مفهوم در تناظر با اصطلاحی واحد چندان مشخص نیست. به عبارت دیگر، بسیاری از پژوهشگران نیز به درستی به انتخاب و کاربرد این اصطلاح نظر ندارند؛ بلکه با نظر به حیطه‌ای گسترده از مفاهیم همجوار و البته سیال و لغزان، گاه «خاطرات» را نه تنها در هر یک از دو مفهوم یادشده، برای مفاهیمی مجاور و نه کاملاً مترادف آن به کار برده‌اند. نبود وضوح تا جایی است که برخی نظیر ابروانی، بارها «خاطرات» را در صفحات و حتی سطور مختلف یک اثر، در هر دو مفهوم به کار می‌برند؛ حال آنکه در همین میان، اصطلاح «خاطرات» در کنار خاطر و خاطره‌ها، به معنی جمع خاطره‌ها به تعدد ملاحظه می‌شود.^{xvi} در مثالی دیگر، با وجود توجه به قرینه‌های لفظی و محتوایی علی‌رضا کمری در این عبارات، نمی‌توان به دقت از دلالت قطعی این اصطلاح در جمع «خاطره‌ها» یا «نوع خاصی از نوشتار» پی برد: «در خاطرات مفصل امکان ذکر عناوین فرعی و رعایت ترتیب تاریخی وقایع و ملاحظه بخش‌ها و موضوعات متوالی و جزء به جزء رخدادها وجود دارد. بعضی خاطرات محتوی نقل پیاپی رویدادها و مشاهدات و حوادث تجربه‌شده نویسنده یا صاحب خاطره‌اند». (کمری، ۱۳۸۳: ۶۴) و «خاطرات از حیث قالب و شکل عرضه‌شدن به دو نوع یادداشت روزانه یا روزشمار و کلی یا موضوعی پیاپی تقسیم می‌شوند». (کمری، ۱۳۸۳: ۶۵)

این سرگشتگی در کاربرد و درک دلالت این مفهوم، هم‌زمان و به‌طور نامعین در هر دو اصطلاح یادشده، در مبحث «انواع خاطرات دفاع مقدس» نیز مشاهده می‌شود. سنگری گویا در مقام اول، این اصطلاح را در معنای انواعی نوشتاری، به کار برده و برای مثال، آنها را به لحاظ «شخصیت‌های خاطره» بر سه گونه تقسیم می‌کند که عبارت‌اند از: خاطرات

حاصل از آن، قائل به اختلاط شد! گویی در عبارات ذیل، اساساً توجهی به این نیست که گونه‌هایی نظیر سفرنامه و زندگی‌نامه خودنوشت، از اهتمام نویسندگان به خاطره‌نویسی شکل می‌گیرند.

۳. خاطرات

در معنای لغوی، «خاطرات» جمع «خاطره» و به معنای «خاطره‌ها» است. در این مفهوم، این واژه، جمع «خاطره» و مترادفِ خاطره‌ها است. کاربرد «خاطرات» در این معنا در گفتار و نوشتارهای فارسی کم نیست؛ برای مثال، احمد دهقان، در عبارت ذیل، این اصطلاح را در مفهوم خاطره‌ها به کار برده است: «بسیاری از کسانی که خاطرات یا یادداشت‌های روزانه می‌نویسند، بیشتر به جای توجه به ادراک و برداشت خود از حوادث اتفاقیه، به درج خود حادثه اکتفا می‌کنند». (دهقان، ۱۳۸۶: ۱۷۹)

اما در کنار معنای واژگانی، اصطلاح «خاطرات» اغلب در معنای نوعی نوشتار نیز به کار می‌رود: در فرهنگ بزرگ سخن نیز این اصطلاح، علاوه بر «خاطره‌ها» در معنای «گزارش شفاهی یا کتبی از سرگذشت و حوادث زندگی شخصی که خود بگوید یا بنویسد» معنا شده است. (انوری، ۱۳۸۱، ج ۴: ۲۶۳۴) در این کاربرد، اصطلاح مذکور به نوشته‌جاتی اطلاق می‌شود که در آنها - صرف‌نظر از حجم، قالب و ساختار - حوادث زندگی شخص از قول خود او گفته یا شنیده می‌شود؛ برای مثال، نحوه کاربرد این اصطلاح در این عبارات رستگار فسایی، ذیل «زندگی‌نامه شخصی» از این مفهوم حکایت دارد: «خودزندگی‌نامه با زندگی‌نامه یا شرح حال یا ترجمه احوال، خاطرات، یادداشت‌های روزانه و نامه‌ها و وقایع‌نامه‌ها پیوستگی نزدیکی دارد. خودزندگی‌نامه اغلب از حوادث مهم و شایان توجه زندگی گذشته نویسنده صحبت می‌کند و معمولاً دوره‌ای طولانی از زندگی او را در بر می‌گیرد؛ اما یادداشت‌های روزانه، نامه‌ها و وقایع‌نامه‌ها اغلب بر مرحله‌ای خاص و حساس از زندگی فردی تمرکز می‌یابد و خاطرات بر موضوعی تأکید می‌ورزد که از شخصیت معروف یا حوادث پراهمیتی در آن صحبت شده باشد». (رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۲۸۳) به نظر می‌رسد منظور غلامحسین یوسفی نیز از این

اظهارنظر عبادیان نیز در این زمینه، ابهام‌برانگیز و دست‌کم بر راقم این سطور نامعلوم است. او در پایان اثر ارزشمند خویش درباره *انواع ادبی* بدون کمترین توضیح، هشدار می‌دهد که «خاطره را نبایستی با خاطرات که یکی از ژانرهای وقایع‌نگاری است اشتباه گرفت». (عبادیان، ۱۳۷۹: ۲۳۶) این جمله را دقیقاً به همین صورت رضوانیان نیز تکرار کرده است. (رضوانیان، ۱۳۸۸: ۶۴) شاید بتوان در مقام اول حدس زد گونه‌ای خاص از زندگی‌نوشت مبتنی بر وجود خاطره‌ها، معادل *memoir* مدنظر عبادیان باشد؛ اما بلافاصله پرسشی در ذهن شکل می‌گیرد که این حدس را دچار خدشه می‌سازد و آن اینکه نویسنده چطور آن هنگام که بنا دارد در تقابل «خاطره» از نوعی متناظر با آن سخن گوید، از میان همه انواع موجود در ادب فارسی، تنها به نوعی خاص - آن هم بدون اشاره به برابر نهاد انگلیسی آن - توجه دارد و از سایر انواع نوشتاری سخنی بر زبان نمی‌آورد! به هر حال، اظهارنظر مبهم نویسنده در این عبارات، بر سردرگمی خواننده درباره هر دوی این اصطلاحات می‌افزاید.

این ابهام و بلا تکلیفی خواننده در فهم معنای روشن «خاطرات» تا جایی است که غلامحسین یوسفی، اتوبیوگرافی را نوعی از خاطرات می‌داند؛ حتی گاه در برخی نوشته‌ها اصطلاح «خاطرات» چنان پیوسته حتی در سطرها و صفحات متناوب، با هر یک از دلالت‌های مذکور به کار رفته است که اساساً دریافت مفهوم دقیق، جز بنا به قراین موجود ممکن نیست. (شعبانی، ۱۳۷۴: ۳۰)

نتیجه‌گیری

۱. دلالت‌های معنایی در مفاهیم و مباحث خاطره‌شناختی، چنان مبهم، ناشناخته و غیردقیق است که حتی اتفاق‌نظر چندانی در تعریف سه اصطلاح اساسی و پُرکاربرد «خاطره»، «خاطره‌نویسی» و «خاطرات» در میان پژوهشگران وجود ندارد. علاوه بر نبودِ درکی روشن و یکسان از این اصطلاحات، بسیاری از دیدگاه‌ها و تعاریف موجود درخصوص این سه اصطلاح اساسی، چندان صحیح و از منطقی مقبول برخوردار نیست.

۲. معنای «خاطره» به‌منزله موجودی اصالتاً ذهنی،

خود یا خاطره‌های منفعل یا یادآمده‌های شخصی، خاطرات دیگران که در آن راوی روایت و رخداد‌های برای دیگران را بیان می‌کند، و خاطرات جمعی که به یک مجموعه مانند جبهه‌نشینان یا گذشته ملی در جنگ اختصاص دارد. (سنگری، ۱۳۹۲ «س»: ۷۷) حال آنکه از نیمه‌های عبارت مذکور، بر خواننده معلوم می‌شود که مقصود نویسنده، خاطره‌های افراد و نه به‌طور خاص، صورت مکتوب آنها در قالب اثری مستقل است.

نکته دیگر آنکه در عرف متداول، چنین نیست که «خاطرات» عمدتاً بر نوشتارهای حاوی «خاطره»‌های فردی دلالت داشته باشد؛ بلکه گاه از این اصطلاح، هر نوشتاری حاوی سرگذشت‌های فردی اراده می‌شود؛ اعم از آنکه به‌صورت هم‌زمان و به شیوه یومیه‌نویسی به نگارش درآمده باشد یا به‌واقع حاصل خاطره‌نویسی باشد؛ برای مثال، سنگری که در اثر خویش از «خاطره» در معنای نوعی نوشتار بهره می‌برد، در فصل دوم، به دلیلی نامعلوم، «خاطرات» را به معنای نوشتاری حاوی روایت‌های شخصی به کار می‌برد. همچنین، اخوت از اصطلاح «خاطرات روزانه» در معنای یادداشت‌های روزانه، بسیار استفاده کرده است؛ برای مثال، او در توضیح زندگی‌نامه می‌نویسد که «زندگی‌نامه خود را به صورت‌های گوناگون می‌توان نوشت؛ به‌صورت زندگی‌نامه خودنگاشت، خاطرات روزانه، نامه، رمان مراسله‌ای و داستان». (اخوت، ۱۳۷۴: ۹)

در همین خصوص، بهرام مقصدادی ذیل مدخل «خودزندگی‌نامه»، از «خاطرات‌نویسی» نیز یاد کرده و تأکید می‌کند این مفهوم، با نوشتن خودزندگی‌نامه تفاوت دارد. او «خاطرات» را نوعی دفتر بایگانی اسناد معرفی می‌کند که «برای نوشتن زندگی‌نامه اشخاص، مراجعه به دفتر خاطرات آنها ضروری است». او دفتر خاطرات را دارای ارزش تاریخی و درمقابل، خودزندگی‌نامه را اثری ادبی در نظر می‌گیرد! (مقصدادی، ۱۳۹۳: ۲۰۶) اینکه چرا نویسنده، اصطلاح «خاطرات‌نویسی» را به جای «خاطره‌نویسی» به کار برده و چرا در یک مجال، گاه «خاطرات» را به معنای نوعی ژانر و گاه در مفهوم جمعی برای «خاطره» به کار برده، محل تأمل و ابهام است.

- سعید سبزیان. تهران: رهنما.
- اخوت، احمد (۱۳۷۳، ۱۳۷۴) «یادهای ما»، زنده‌رود، شماره ۱۰ و ۱۱، زمستان و بهار.
- انوری، حسن (۱۳۸۱) فرهنگ بزرگ سخن. به سرپرستی حسن انوری. ۸ ج. تهران: سخن.
- انوشه، حسن (۱۳۷۶) *فرهنگنامه ادب فارسی*. به - سرپرستی حسن انوشه. تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- حسن‌زاده میرعلی، عبدالله؛ محمدپور، محمدامین (۱۳۹۲) «خاطره‌نویسی در ادبیات فارسی». پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی‌پژوهشی). شماره ۳ (۱۱)، بهار، صص ۶۵-۸۸.
- حسینی‌نژاد، سیدحسین (۱۳۸۲) *آموزش خاطره‌نویسی*. تهران: لوح زرین.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۲۵) *لغت نامه دهخدا*. تهران.
- دهقان، احمد (۱۳۸۶) خاک و خاطره: راهنمای خاطره‌نویسی جنگ. تهران: صریر.
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۰). *انواع نثر فارسی*. تهران: سمت.
- زارع، الهام (۱۳۹۷) «تحلیل عنصر روایت در خاطره‌نویسه دختر شینا براساس نظریه ژرارژ زنت»، ادبیات دفاع مقدس، شماره ۱، صص ۶۵-۷۷.
- سنگری، محمدرضا (۱۳۹۲) «انگیزه‌های خاطره‌نویسی؛ گفتگو با دکتر محمدرضا سنگری از شیرین خلف‌بیگی»، شماره ۳۲، خرداد، صص ۱۴-۱۹.
- سنگری، محمدرضا (۱۳۹۲) *ساحت‌های مطالعاتی ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس (پیشنهاد برای پژوهش و مطالعه)*. برای بنیاد آثار و حفظ ارزش‌های دفاع مقدس، پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- سنگری، محمدرضا؛ یوسفی‌پور، سمیه (۱۳۹۱) «کم‌رنگ‌ترین قلم از پُررنگ‌ترین حافظه بهتر است»، ماهنامه انشا و نویسندگی، شماره ۲۵، آبان، صص ۲۴-۲۹.
- شاد، محمد پادشاه (۱۳۶۳) *فرهنگ آندراج*، ۷ ج، تهران: خیام.
- شریفی، محمد (۱۳۸۷) *فرهنگ ادبیات فارسی*.

شناخته شده است؛ اما دلالت‌های مفهومی آن در گستره مباحث نظری خاطره‌شناختی روشن نیست و از آن مقاصدی متنوع اعم از ساخت عینی، نوعی نوشتار، مبتنی بر روایت‌های شخصی، مفهوم فعلی، رویداد، برشی از زندگی و گستره‌ای از معارف بشری اراده می‌شود. اصطلاح «خاطره‌نویسی»، در عین رسایی در کلیت حیطه موضوعی، دلالت‌هایی مبهم و چندگونه شامل عمل ثبت خاطرات، یکی از انواع نوشتار و مفهوم کلی ثبت رویدادهای زندگی فردی دارد. مفهوم دقیق «خاطرات» نیز با وجود آنکه روشن و بدیهی به نظر می‌رسد، چندان قطعی و تعیین‌کننده نیست و مفاهیم متعددی را در جمع خاطره‌ها، گزارشی از زندگی به شیوه خاطره‌نویسی و نیز انواع نوشتاری حاوی زندگی فردی ایفا می‌کند.

۳. تنوع درک و دریافت‌های پژوهشگران در شناخت و اظهارنظر درباره مفاهیم کلیدی و متداول در عرصه شناخت خاطره و انواع نوشتاری مبتنی بر آن، بر بخش اصلی و تعیین‌کننده دلالت‌ها حاکم است.

۴. وجود ابهام و چندگونگی در دلالت‌های معنایی مفاهیم اساسی و اولیه گستره زندگی‌نوشت‌های شخصی خاطره‌سرشت، یکی از مهم‌ترین دلایل و البته مدلول‌های کاستی در مباحث نظری این عرصه است. به نظر می‌رسد لغزش در دلالت‌های صریح و روشن اصطلاحات گستره موضوعی مدنظر که تنها بخش کوچکی از آن درخصوص سه اصطلاح برجسته، متداول و پرتکرار آن در مقاله پیش رو نمایش داده شد، جز با تعیین انواع نوشتاری زندگی‌نوشت‌های شخصی برطرف نخواهد شد؛ بنابراین، گام اول و ضروری برای رفع ابهامات موجود، شناخت، طبقه‌بندی و تعیین حد و رسم انواع متعددی است که در این گستره پدید آمده‌اند. راقم این سطور، قصد دارد به یاری خدا، به شناخت انواع و گونه‌های مبتنی بر خاطره در کنار سایر انواع زندگی‌نوشت‌ها، گامی در رفع این ابهامات و دلالت‌های ناهمگون و گاه متناقض بردارد.

منابع

- آبرامز، مایر هوارد (۱۳۸۷) *فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی*. ام. اچ. ایبرمز، جفری گالت هرفم؛ [مترجم]

- ویراستار: محمدرضا جعفری. تهران: فرهنگ نشر نو، معین.
- شمشیرگرها، محبوبه (۱۳۹۷) «انواع زندگی‌نوشت‌های فارسی»، ادبیات پارسی معاصر، سال هشتم، شماره اول، بهار و تابستان، صص ۱۲۷-۱۵۵.
- صباغ‌زاده، مریم (۱۳۹۲) «خاطره دستمایه تاریخ نگاران»، ماهنامه انشا و نویسندگی، شماره ۳۲، خرداد، صص ۱۰-۱۳.
- صنعتی، محمدحسین (۱۳۸۹). *آشنایی با ادبیات دفاع مقدس*. تهران: صریر.
- عبادیان، محمود (۱۳۷۹). *انواع ادبی: شمه‌یی از سرگونه‌های ادب در تاریخ ادبیات فارسی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- عمید، حسن. *فرهنگ فارسی عمید (۱۳۹۲)*، ج ۳، تهران: امیرکبیر.
- فراگنر، برت (۱۳۷۷) *خاطرات نویسی ایرانیان*. ترجمه مجید جلیلووند رضایی، تهران: علمی و فرهنگی.
- فروغی جهرمی، محمدقاسم (۱۳۸۹). *مقوله‌ها و مقاله‌ها: بررسی ادبیات دفاع مقدس، مجموعه مقالات و نشست‌هایی در موضوعات خاطره و شعر و داستان و زندگی‌نامه داستانی*، تهران: خانه کتاب: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- قانونی، مریم (۱۳۸۷) «تحلیل و مقایسه سنت خاطره‌نگاری در عصر مشروطه (۱۳۲۰-۱۳۴۰ق)»، استاد راهنما مرتضی نورائی، استاد مشاور مهدی مهرعلیزاده، دانشگاه اصفهان.
- کرباسچی، غلامرضا (۱۳۶۶) «پژوهشی درباره خاطرات، صل اول: خاطره‌شناسی»، یاد، شماره ۹، زمستان، صص ۲۹-۳۹.
- کمری، علیرضا (۱۳۸۳) *با یاد خاطره*، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
- کمری، علیرضا (۱۳۸۶) «آناتومی خاطره‌پژوهی»، زمانه، شماره ۶۴، صص ۳۷-۳۸.
- کمری، علیرضا (۱۳۹۱) «یادنوشت؛ گفتگو با آقای علیرضا کمری»، ماهنامه انشا و نویسندگی، شماره ۲۵، آبان، صص ۱۴-۲۳.
- کمری، علیرضا (۱۳۹۴) *پرسیمان یاد: گفتارهایی در باب خاطره‌نگاری و خاطره‌نویسی جنگ و جبهه/دفاع مقدس*، ویراستار و صفحه‌آرا: نسرين خادمی خالدي. تهران: صریر.
- مصاحبه در تاریخ شفاهی: مجموعه مقالات چهارمین نشست تخصصی و کارگاه آموزشی تاریخ شفاهی (۶ و ۷ اسفندماه ۱۳۸۶). (به اهتمام) واحد تاریخ شفاهی مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگ و ادب پایداری حوزه هنری گروه تاریخ دانشگاه اصفهان؛ [برای] انتشارات سوره مهر، وابسته به حوزه هنری، دفتر ادبیات و هنر مقاومت. [ویراست ۲]. تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
- مقدادی، بهرام (۱۳۹۳) *دانشنامه نقد ادبی از افلاطون تا امروز*. تهران: چشمه.
- میرصادقی، جمال (۱۳۷۶) *ادبیات داستانی (قصه، رمانس، داستان کوتاه، رمان)*. [ویراست ۳]. تهران: نشر سخن، ۱۳۷۶.
- نفیسی، علی‌اکبر (۱۳۴۳) *فرهنگ نفیسی*، ج ۵، تهران: خیام، ۱۳۴۳.
- نورائی، مرتضی؛ ابوالحسنی ترقی، مهدی (۱۳۹۱) «مقایسه تحلیلی خاطره‌نگاری با تاریخ شفاهی»، گنجینه اسناد، سال بیستم، دفتر چهارم، زمستان، صص ۹۶-۱۲۲.

۱. کمری در سرآغاز *با یاد خاطره*، به دلایل کاستی‌های پژوهش درباره خاطره‌شناسی در ایران توجه کرده است. رک. کمری: ۱۳۸۳، صص ۱۹-۲۱.

۲. برای اطلاع بیشتر درباره پیشینه پژوهش‌های زندگی‌نگاری در ایران و نیز مفهوم زندگی‌نوشت و انواع آن، از جمله زندگی‌نوشت‌های خاطره‌سرشت، رک. شمشیرگرها، ۱۳۹۷.

۳. جمع «خاطر»، خواطر و مصدر آن خطور است. در فرهنگ‌های عمومی مترادفات زیادی برای این واژه در مفهوم مظلوف خاطره آمده که خارج از قصد و مجال این نوشتار است. برای اطلاعات بیشتر، رک. معین، محمد. *فرهنگ معین*. تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۱، مدخل «خاطر»، ص ۱۳۸۹.

۴. در عربی معادل خاطره، «المذکره» (ج: المذاکرات)، برگرفته از «ذاکره» در معنای ذهن و حافظه، از ریشه «ذکر» است. رک. کمری: ۱۳۸۳، ص ۲۷.

۵. رک. شاد: ۱۳۶۳، ج ۲.

۶. «رمان خاطره‌گونه، رمانی است که به خودزندگی‌نامه شباهت دارد اما خیالی و غیرواقعی است و شیوه نوشتن آن که شکل خاطره‌نویسی دارد.» (میرصادقی: ۱۳۷۶، ص ۴۶۵)

vii. «خاطره و خاطره‌نگاری به عنوان یکی از راههای شناخت بررسی‌های تاریخی در تاریخ معاصر ایران، همواره در زمره آثار تاریخ شفاهی قرار گرفته است.» (رئیس السادات: ۱۳۹۶، ص ۸۹)

viii. برای اطلاع از آنها، رک. کمری: ۱۳۸۳، صص ۲۵-۳۰؛ کمری، علیرضا، «نگاهی دیگر پیرامون خاطره: خاطره‌نگاری و تاریخ شفاهی جنگ/دفاع مقدس»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، مهر ۱۳۹۰، شماره ۱۶۱، ص ۱۱۹؛ ایروانی: ۱۳۹۰، صص ۷۵-۷۶؛ کرباسچی، غلامرضا، «بخش خاطرات»، زمستان ۱۳۶۷، شماره ۱۳، صص ۲۹ و زمستان ۱۳۶۶، شماره ۹، صص ۳۴-۳۵؛ نورایی، مرتضی و ابوالحسنی ترقی، مهدی، «گنجینه اسناد»، سال ۲۰، دفتر ۴، زمستان ۱۳۸۹، صص ۹۹-۱۰۰؛ نفیسی، علی اکبر، فرهنگ نفیسی، تهران: کتابفروشی خیام، ۱۳۴۳، ج ۲، صص ۱۳۱۱-۱۳۱۲؛ انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن، ۱۳۸۱، ج ۴، صص ۲۶۳۱-۲۶۳۵؛ معین، محمد، فرهنگ معین، تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۳۸۹؛ دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: ج ۱۹، صص ۶۴-۶۵؛ انوشه، حسن، فرهنگنامه ادب فارسی، تهران: ۱۳۷۶، صص ۵۴۳-۵۴۵.

ix. برای مثال، رک. کمری: ۱۳۹۴، ص ۷۳.

x. برای اطلاع از برخی مباحث نظری این حوزه، نظیر سازوکارهای به خطر ماندن رویدادها در ذهن و نیز زمینه‌های رویکرد آدمی به خاطره نویسی، رک. کمری: ۱۳۹۴، صص ۷۰-۷۵؛ کمری: ۱۳۸۳، صص ۳-۴.

xi. برای مثال، رک. ایروانی: ۱۳۹۰، صص ۵۲-۵۷؛ کمری: ۱۳۸۳، ص ۱۰۴.

xii. کمری بر آن است که آثار خاطره‌محور بر سه نوع کلی به وجود می‌آیند: خاطره‌گفته‌ها، خاطره‌خواسته‌ها یا خاطره‌پرسه‌ها/پرسیده‌های دیگرنوشت و خاطرات خودنوشت. (برای اطلاعات بیشتر، رک. کمری: ۱۳۹۴، ۱۸۱).

xiii. علیرضا کمری با اعتنا به آنکه خاطرات صاحب خاطره، به قلم خود او یا فردی دیگر به نگارش درمی‌آید، «خاطره نویسی» را از «خاطره نگاری» متمایز می‌داند. از نظر او، «خاطره نویس، کسی است که خاطرات دیگران را می‌نویسد.» (کمری: ۱۳۹۴، ص ۱۲۶) البته این نظر اخیر اوست؛ چه، در آثار پیشین او، خاطره نویسی در مفهوم کلی، به معنای آنچه راقم این سطور مد نظر دارد به کار رفته است. برای مثال، «خاطره نویس و صاحب خاطره یک تن بیش نیست.» (کمری: ۱۳۸۳، ص ۵۹)

xiv. برای مثال، آذربورن خاطرات را زیر مجموعه زندگی‌نامه نویسی می‌داند. (رضوانیان: ۱۳۸۸، ص ۵۴). این دیدگاه را ایروانی نیز تکرار کرده است. (ایروانی: ۱۳۹۰، ص ۵۲). کمری نیز بر آن است که «زندگی‌نامه اعم از خاطره است و خاطره، گونه‌ای زندگی‌نامه نویسی است.» (کمری: ۱۳۸۳، ص ۷۷)

xv. رک. شمشیرگرها: ۱۳۹۷.

xv. رک. ایروانی: ۱۳۹۰، صص ۶۹-۹۶.

